

يك طلاق به ازای 4 ازدواج

باز هم آمارها هشدار بحران طلاق را در کشور نشان می‌دهند. این بار نایب رئیس کانون سردفتران ازدواج و طلاق در نشست خبری‌اش آثیر فروپاشی خانواده‌ها را به صدا در آورد.



باز هم آمارها هشدار بحران طلاق را در کشور نشان می‌دهند. این بار نایب رئیس کانون سردفتران ازدواج و طلاق در نشست خبری‌اش آثیر فروپاشی خانواده‌ها را به صدا در آورد و از نزدیک شدن میزان طلاق‌های رسمی ثبت شده نسبت به ازدواج‌های ثبت شده خبر داد. به گزارش تهران امروز، علی مظفری در حالی از ثبت 2 طلاق در هر ساعت در کشور خبر داد و به ثبت يك طلاق به ازای هر 4 ازدواج اشاره کرد که در بخشی از صحبت‌هایش گفت: «98 درصد طلاق‌ها در کشور طی 8 سال ابتدایی ازدواج‌ها رخ می‌دهد».

به گزارش سلامت نیوز به نقل از روزنامه تهران امروز؛ این هشدارهای علی مظفری در حالی مطرح شده است که برخی از کارشناسان می‌گویند این میزان طلاق اعلام شده توسط نایب رئیس کانون سردفتران ازدواج و طلاق، تنها بخش رسمی این هشدارهاست در حالی که از بخش غیررسمی آن که مربوط به طلاق‌های عاطفی در بین زوجین است هیچ آماری در دست نیست. موضوعی که باعث شده بار دیگر بسیاری از یکدیگر بپرسند چه بر سر خانواده‌های ایرانی آمده است که چنین آمار تکان‌دهنده درخصوص میزان طلاق آن اعلام می‌شود. خانواده، در تمامی مثل‌ها و فرهنگ ادبی و اجتماعی ایرانی در تمام دوران‌ها نشان امنیت و آرامش و مهربانی بوده است. اما انگار در دهه 90 شمسی تنها چیزی که از این فضا به مشام نمی‌رسد گذشت و فداکاری و مهربانی است.

دکتر حسین باهر عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی و رفتارشناس، در مورد ثبت 2 طلاق در هر ساعت به صورت رسمی در ایران به تهران امروز می‌گوید: ثبت این میزان طلاق در دفترخانه‌ها توسط زوجین تنها بخشی از عمق فاجعه‌ای است که دارد رخ می‌دهد ولی بسیاری از کارشناسان اعتقاد دارند که بسیاری از زندگی‌های دیگری هستند که به صورت رسمی کار زوجین در آنها به طلاق نینجامیده اما شیوه زندگی زن و شوهر در آن خانواده چیزی کمتر از طلاق ندارد. دکتر باهر می‌افزاید: براساس استنباط اهل نظر در کشور تنها طلاق‌هایی ثبت و اعلام می‌شود که زوجین برای جدایی اقدام به مراجعه به دادگاه یا دفترخانه ثبت طلاق می‌کنند ولی طلاق‌های زیادی در شرف انجام شدن و از همه مهم‌تر طلاق‌های ضمنی یا ذهنی هستند که آنها جزو این آمار نمی‌آید.

این رفتارشناس ادامه می‌دهد: طلاق‌های ذهنی به صورت درونی اتفاق می‌افتد که زن و مرد از زندگی خود راضی نیستند و به دلایل مختلفی همچون فرزند، مسائل اقتصادی، آبرو، یا مذهب به ریسمان زندگی مشترک و ازدواج آویزان هستند به همین دلیل من معتقدم که طلاق‌های عاطفی بیشتر از طلاق‌های رسمی هستند. به گفته این رفتار شناس برجسته 4 مرحله طلاق، وفاق (دوره آشنایی)، نفاق (شروع نق‌زدن‌ها)، نفاق و طلاق است. دکتر باهر با اشاره به عوامل طلاق می‌افزاید: 40 دلیل ریز و درشت برای طلاق وجود دارد. اولین دلیل به وجود آمدن طلاق به هم‌ریختگی نظام خانواده است. در گذشته نظام خانواده سنتی بود و حالا به سمت صنعتی شدن پیش می‌رود. به عبارت دیگر خانواده ایرانی از قله سنت پرواز کرد اما هیچ‌گاه نتوانست به قله صنعت برسد. این استاد دانشگاه عامل بعدی طلاق را مسائل اقتصادی می‌داند و ادامه می‌دهد: به هم‌ریختگی، عدم مسئولیت‌پذیری مالی از طرف مرد و درخواست‌های غیرقابل پاسخ از سوی زن‌ها (در مورد نفقه، مهریه و هزینه‌های دیگر زندگی) در رخ دادن طلاق‌ها به دلیل مسائل مالی، بسیار موثر هستند.

او می‌گوید: خانم‌های خانه دار بیشتر از خانم‌هایی که خارج از خانه مشغول به کار هستند مشکل طلاق را دامن می‌زنند زیرا آنها نمی‌دانند که مرد با چه مشکلاتی روبه‌روست تا بتواند پول به دست آورد. برای همین این خانم‌ها معمولاً بیشتر درخواست نامتعارف مالی دارند مانند ماشین‌های آنچنانی و... که این موضوع مشکلات را در خانواده‌ها دوچندان می‌کند.

دکتر باهر می‌گوید: سومین عامل طلاق‌ها در کشور فرهنگی است. ماهواره‌هایی که سریال‌های بی‌محتوا پخش می‌کند، هر زنی خود را با نقش اول آن همانندسازی می‌کند و اگر از لحاظ فرهنگ خانوادگی کسری داشته باشد، می‌خواهد همان کاری که نقش

اول این سریال‌ها می‌کند را انجام دهند.

عضو فرهنگستان علوم پزشکی ادامه می‌دهد: عامل چهارم هم مداخله بزرگ‌ترها در زندگی کوچک‌ترها که چشم و هم‌چشمی را هم در دل خود دارد باعث طلاق می‌شود. توصیه‌ای که می‌توان کرد این است که زن و شوهری که اختلاف دارند هرگز با پدر و مادر خود مشورت نکنند. چون هر پدر و مادری از بچه خود حمایت می‌کند و جنگ از دوئل به جبهه تبدیل می‌شود. خانواده‌ها همیشه مسائل را منحل می‌کنند. در این شرایط زوجین باید به مشاوره مراجعه کنند شاید او بتواند با نشان دادن راه مسائل را حل کند.

وی با اشاره به ثبت شرایط طلاق در سند ازدواج نیز می‌گوید: برای اینکه مهریه را کم می‌کنند و طلاق را در اختیار زن می‌گذارند. در گذشته مهریه را سنگین می‌گرفتند که تضمینی برای ازدواج باشد ولی امروزه که جوان‌ها از لحاظ اقتصادی توانایی مهریه سنگین را ندارند، طلاق را به عنوان شرط ضمن عقد به زن می‌دهند تا نگرانی به هم ریختگی زندگی زن را کمتر کنند. البته این شرط ضمن عقد را در اختیار حکمین دوطرف می‌گذارند.

وی با بیان اینکه اگر پابندی زوجین در زندگی اصولی باشد طلاق کمرنگ خواهد شد می‌گوید: کسانی که در چند سال اول پابندی خود را به زندگی مشترک از دست می‌دهند، به این علت است که از اول پایه زندگی را سست بنا کرده‌اند. آنها فکر نمی‌کردند ازدواج تا به این حد گرفتاری و مسئولیت دارد. با سایت اینترنتی یا در خیابان با هم آشنا می‌شوند. آنها نمی‌دانند که ازدواج همزمان که مصونیت است مسئولیت هم هست ولی همه به مصونیت بیشتر فکر می‌کنند تا مسئولیت ازدواج و بار زندگی که سنگین می‌شود زن یا مرد یا هر دو به این نتیجه می‌رسند که نباید این زندگی ادامه پیدا کند. ما شاهد مواردی هم هستیم که 7-8 سال با هم نامزد بوده‌اند اما نتوانسته‌اند 7-8 روز با هم زیر یک سقف زندگی کنند.

بنیانگذار مکتب رفتارشناسی در مورد دقت در ازدواج برای تناسب بین خانواده‌ها می‌گوید: یکی از شرایط ازدواج در اسلام کفایت است. یعنی زن و مرد باید از لحاظ سن، فرهنگ، سواد و... همگن یکدیگر بوده و سنخیت داشته باشند وگرنه دیر یا زود زندگی آنها به هم خواهد ریخت. مثلاً برخی از زوجین اوایل ازدواج با قرض کارهای خارج از ضرورت می‌کنند و بعد از گذشت زمان که توانایی پرداخت قرض خود را ندارند زندگی به مشکل برمی‌خورد. ضمن آنکه برخی زن‌ها هم در این سال‌ها یادگرفته‌اند تازندگی‌شان به مشکلی بر می‌خورد مهریه خود را به اجرا می‌گذارند. به خاطر همین تعداد زیادی از زندانیان کشورمان دامادهای مقروضی هستند که مهریه‌های سنگین را متقبل شده‌اند و دختر فکر می‌کند صاحب 10 هزار سکه طلا شده و یک میلیارد است.

باهر همچنین با بیان اینکه علاوه بر مسائل مادی، معنوی، اجتماعی، ایرانی‌ها پرورش رفتار مشارکت‌آمیز ندارند می‌گوید: متأسفانه در کشور ما فرهنگ مشارکت جویانه وجود ندارد. البته با دیدن کارهای تیمی که در سطح مسابقات خارج از کشور می‌بینیم این امید وجود دارد که این بخش هم در راه درست شدن افتاده است. از نظر قرآن هم ما جماعت هستیم نه جمعیت، پس باید جماعت باشیم یعنی یک واحد. این عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی، با تأکید بر اینکه قبل از ازدواج باید از آن شناخت داشت، می‌افزاید: در کشور ما همه چیز عشقی پیش می‌رود. ما باید هم عشق داشته باشیم و هم عقل. عشق هم همینطور است. عرفایی که طرفدار عشق هستند هم می‌گویند: «عشق از اول سرکش و خونی بود/ تا گریزد هر که بیرونی بود». عشق مانند نگینی است که باید با رکاب عقل آن را نگه داشت. اگر عقل نباشد عشق هم بعد از مدتی از دست می‌رود.